



افسر پلیس زندگی بخشد

افسر وظیفه‌شناس پلیس آگاهی شهرستان کهنوج که بر اثر عارضه مغزی دچار مرگ مغزی شده بود با تصمیم نوع‌دوستانه خانواده‌اش، پس از مرگ نیز به دیگران زندگی بخشید. به گزارش «جوان»، سردار عبدالرضا موقوفه‌ای، فرمانده انتظامی استان کرمان از اهدای عضو یکی از افسران فداکار پلیس آگاهی شهرستان کهنوج خبر داد و گفت: «محمدحسین شریفی‌نیا از افسران خدم و وظیفه‌شناس پلیس آگاهی شهرستان کهنوج، اواسط مهرماه سال جاری به دلیل عارضه مغزی دچار خونریزی شدید شد و پس از چند روز در بیمارستان شهید باهنر کرمان فوت شد.»

وی افزود: «با تصمیم خدایسندانه و انسان‌دوستانه خانواده این افسر فداکار، صبح امروز اعضای بدن او به بیماران نیازمند اهدا شد. کبد مرحوم شریفی‌نیا جهت پیوند به یکی از مراکز درمانی استان فارس منتقل و با موفقیت به بیماری که مدت‌ها در انتظار پیوند بود، اهدا شد و به‌او فرصت دوباره‌ای برای زندگی بخشید.»

فرمانده انتظامی استان کرمان با تجلیل از روحیه ایثار و

ازخودگذشتگی این افسر جوان گفت: «مرحوم شریفی‌نیا در طول سال‌های خدمت خود همواره در خط مقدم تأمین نظم و امنیت مردم منطقه کهنوج حضور داشت و امروز نیز با اهدای عضو، جلوه‌ای ماندگار از انسانیت و فداکاری را به نمایش گذاشت.»



مرکز اطلاع‌رسانی پلیس غرب استان تهران گزارش داد قاتل زهرآ قاتنی، کارمند دانشگاه تهران شوهرش بوده، اما انگیزه قتل را اعلام نکرده است.

قتل «زهرآ قاتنی»، کارمند دانشگاه روز ۱۷ مهرماه در شهرقدس اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد وی به طرز مرموزی به قتل رسیده و شوهرش به عنوان مقتول بازداشت شد و به ارتکاب جنایت اعتراف کرد. براساس گزارش پلیس، مشخص شده متهم از مدتی قبل با همسرش اختلاف داشته و در جریان همان اختلاف حادثه خونین رقم خورده است.



عامل ضرب و جرح پسر بچه ۱۲ ساله به غلط کردن افتاد

مرد شرور که همزمان با ضرب و جرح پسر بچه ۱۲ ساله، فیلم آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود، فکورش را هم نمی‌کرد مقابل سرهنگ راستی، معاون عملیات پلیس به غلط کردن بیفتند.

چندی قبل فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که خشم کاربران را به همراه داشت. براساس فیلم منتشر شده، مردی شرور که کلاه نقابدار به سر و ماسک به صورت داشت، به پسر بچه ۱۲ ساله که گوشه‌ای نشسته و در حال کار با گوشی تلفن همراهش بود، حمله می‌کند و او را با ضربات مشت هدف قرار می‌دهد. خیلی زود فیلم در شبکه‌های اجتماعی دست به دست و با هر انتشار خشم کاربران به اشتراك گذاشته می‌شود. مردم از پلیس در خواست کمک می‌کنند و با رسیدن فیلم به دست پلیس، مأموران تحت امر سرهنگ راستی، معاون مبارزه با شرارت پلیس امنیت عمومی دست به کار می‌شوند. کارآگاهان پلیس خیلی زود مخفیگاه متهم را شناسایی و او را بازداشت می‌کنند. متهم حالا مقابل دوربین پلیس ایستاده و به سرهنگ راستی می‌گوید که غلط کرده و از کاری که انجام داده، پشیمان است. او مقابل پرسش‌های سرهنگ راستی درباره انگیزه‌اش از تکت زدن کودک جوابی جز گر به‌های بی‌امان ندارد. سرهنگ راستی به اشرار هشدار می‌دهد که پایان شرارت‌هایشان چیزی جز ندامت برایشان به همراه نخواهد داشت.

مرگ ۵ عضو کادر درمان زیر جرح‌های کامیون

در سانحه‌ای مرگبار در محور فسا به داراب، پنج نفر از کارکنان معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی فسا جان خود را از دست دادند. بررسی کارشناسان پلیس راه نشان داد بی‌احتیاطی راننده پراید و ضعف ایمنی جاده، دو عامل اصلی این فاجعه بودند.

به گزارش «جوان»، ساعت ۷:۳۰ صبح روز گذشته، مأموران پلیس‌راه و امدادگران شهرستان فسا در استان فارس با دریافت گزارش یک سانحه رانندگی در محور فسا به داراب حوالی روستای هارم، بلافاصله در محل حاضر شدند.

در بررسی اولیه مشخص شد خودروی پژو ۴۰۵ حامل پنج نفر از کارکنان معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی فسا در برخوردی شدید

■ **غلامرضا مسکتی**

صبح دیروز، سه‌شنبه ۲۲ مهرماه، نخستین و آخرین جلسه صلح و سازش در پرونده قتل امیر محمد خالقی، دانشجوی ۱۹ساله و نخبه دانشگاه تهران در دادسرای امور جنایی تهران برگزار شد، جلسه‌ای که می‌توانست میان زندگی و مرگ قاتل تفاوتی ایجاد کند، اما تلاش برای جلب رضایت خانواده مقتول بی‌نتیجه ماند. پدر امیرمحمد که از روستایی در خراسان جنوبی راهی پایتخت شده بود، در حالی که هنوز داغ فرزندش تازه بود، تصمیم خود را برای اجرای حکم قصاص اعلام کرد تا پرونده قتل این دانشجوی جوان پس از هشت ماه به پایان راه برسد.

■ **جلسه صلح و سازش پرونده قتل امیرمحمد خالقی**
صبح دیروز، سه‌شنبه ۲۲ مهر، اولین و آخرین جلسه صلح و سازش پرونده قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران در دادسرای امور جنایی تهران برگزار شد. پدر امیرمحمد به همراه یکی از پسرانش و چند تن از بستگان نزدیک از روستایی در شهرستان درمیان استان خراسان جنوبی مسافتی طولانی را تا پایتخت پیمودند و صبح دیروز با چهره‌هایی خسته برای شرکت در جلسه صلح و سازش وارد دادسرا شدند.

■ **لحظاتی حساس برای سرنوشت متهم**

پدر مقتول آمده بود تا درباره سرنوشت پرونده پسرش تصمیم نهایی را اتخاذ کند. قرار بود قاضی محمد شهرپاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، نخستین و آخرین جلسه صلح و سازش را برگزار کند. پیرمردی با لباس محلی و چهره‌ای غم‌زده و صبور روی صندلی نشسته و منتظر بود تا برای ورود به جلسه دعوت شود. پدر و مادر متهم نیز همراه و کیل‌شان در دادسرا حضور داشتند و بر خلاف آرامش نسبی پدر مقتول، به وضوح می‌شد نگرانی و چشم‌انتظاری را در چهره‌شان دید. هنوز مشخص نبود چه سرنوشتی در انتظار متهم است؛ آیا فرصتی برای زندگی دوباره نصیب او خواهد شد یا با اجرای حکم قصاص پرونده‌اش بسته می‌شود؟
دقایق برای خانواده متهم دشوار می‌گذشت و هنوز به بخشش چشم دوخته بودند، اما سخنان پدر امیرمحمد که در عین احترام حاکی از گرایش به اجرای حکم بود، نشان می‌داد تصمیم نهایی هنوز گرفته نشده است.

■ **جلسه صلح و سازش**

انتظار به پایان رسید و پدر مقتول به همراه همراهان وارد اتاق جلسه و گفت‌وگو آغاز شد. قاضی شهرپاری در این نشست تلاش کرد با صحبت درباره اهمیت بخشش و پیامدهای انسانی و اجتماعی گذشته، زمینه‌ای برای مصالحه فراهم کند. او در عین حال حق قانونی اولیای دم در درخواست قصاص را محترم شمرد و با خانواده مقتول همدردی کرد. تلاش‌های قضایی و اصرار خانواده متهم و کیل او برای جلب رضایت، اما نتوانست خانواده مقتول را مجاب به بخشش کند. مادر قاتل با التماس و گر به طلب گذشت کرد، اما بی‌ثمر بود. پدر مقتول که به گفته خود آمده بود تا حکم قرآن را اجرا کند، تصمیمش را گرفته بود و از اجرای حکم سخن گفت. در نهایت جلسه صلح و سازش به پایان رسید. با این حال خانواده متهم تا لحظه اجرای حکم که سحرگاه امروز اعلام شده بود، هنوز به بخشش امید داشتند.

■ **از زحمات زندگی تا نوداه از دست دادن فرزند**

پدر امیرمحمد خالقی در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره دلیل تصمیمش برای اجرای حکم گفت: «من با کشاورزی و زحمت زیاد فرزندانم را بزرگ کردم، به آنها در س زندگی و انسانیت آموختن تا برای جامعه مفید باشند. امیرمحمد پسری مؤدب، باایمان و تلاشگر بود. وقتی در دانشگاه تهران قبول شد، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و ما هم خوشحال بودیم، اما خبر تلخ حادثه همه چیز را تغییر داد. وقتی خبر قتل را شنیدم، احساس کردم زندگی‌ام سیاه شده و این داغ من و همسر را پیر کرد.» او از تغییرات ظاهری و درونی خود و همسرش پس از این رویداد سخن گفت.

■ **درخواست اجرای حکم در ملاعام**

پدر مقتول ادامه داد: «پسرم در اولین روز کاری‌اش به قتل رسید. آن روز به ما گفته بود کار خوبی پیدا کرده و می‌خواهد همزمان با تحصیل درآمدی هم داشته باشد. امیرمحمد تمام زحمات علمی‌اش را در لب‌تاپش ذخیره کرده بود و می‌گفت زندگی‌اش در آن است. وقتی دو زورگیر راه او را بستند، پسرم از آنها خواهش کرد که تلفن همراهش را بگیرند، اما لب‌تاپش را پس ندهند، ولی آنها با چاقو به او پاسخ دادند. من چگونه می‌توانم قاتلی را که به التماس‌های فرزندم توجه نکرد و با بی‌رحمی چاقو کشید، ببخشم. انتظار دارم برای عبرت دیگران و التیام جامعه دانشگاهی و خانواده‌ام، اجرای قصاص در همان حوالی محل حادثه و در ملاعام انجام شود.»

حقوقدان

سرویس حوادث، ۸۵۲۳۰۶۰



با کامیون بنز باری دچار خسارت سنگین شده و چهار سرنشین پژو که شامل یک پزشک، یک ماما و دو دستیار بودند بر اثر شدت جراحات در دم جان باختند و یک نفر هم پس از انتقال به بیمارستان فوت شد. راننده کامیون هم که به شدت مصدوم شده بود به مرکز درمانی منتقل شد.

سرهنگ احمد کریمی‌اسد، رئیس پلیس‌راه فراجا در گفت‌وگو با خبرنگاران جزئیات بیشتری از حادثه را اعلام کرد و گفت: «بررسی‌ها نشان داد خودروی پرایدی که جلوتر از پژو در حرکت بود، به‌صورت ناگهانی و بدون رعایت حق تقدم از لاین دوم به چپ تغییر مسیر داد تا وارد جاده فرعی روستای هارم شود. در پی این اقدام خطرناک، پژو

آخرین تلاش در جلسه صلح و سازش برای بخشش قاتل دانشجوی نخبه ناکام ماند

قاتل امیرمحمد خالقی صبح امروز قصاص می‌شود



■ **سابقه کیفری متهم**

پدر امیرمحمد همچنین اعلام کرد که متهم پرونده دارای سابقه کیفری بوده و پیش از این جرائم دیگری نیز مرتکب شده است. او گفت در نخستین دیدار در جلسه دادگاه هیچ‌گونه ابراز ندامتی از سوی متهم ندیده و خانواده متهم تا زمان قطعی شدن حکم، ارتباطی با آنان نداشته‌اند و تنها در مردادماه که نزدیک شدن زمان اجرای حکم مشخص شد، برای نخستین‌بار به خانه‌شان رفتند و خواستار بخشش شدند. به گفته پدر مقتول، متهم حتی یک تماس از زندان با خانواده مقتول برقرار نکرده و هیچ اظهار پشیمانی آشکاری نشان نداده است. بنابراین او در جلسه برای بخشش اعلام رضایت نکرد.

■ **وصیت اهدای عضو**

در پایان، پدر مقتول به وصیت فرزندش درباره اهدای عضو اشاره کرد و گفت: «امیرمحمد هنگام پذیرش در دانشگاه کارت اهدای عضو پر کرده و گفته بود اگر حادثه‌ای برایش رخ داد، اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنند. شب حادثه پسرم تا صبح تحت درمان بود، اما تیم پزشکی ما را از حادثه مطلع نکردند. اگر آگاه می‌شدیم، حتماً اعضایش را اهدا می‌کردیم. اگر این کار انجام شده بود، بخشی از زندگی او در وجود دیگران جاری می‌ماند و ما به وصیتش عمل کرده بودیم.»

■ **آغاز ماجرا**

شامگاه ۲۲ بهمن‌ماه سال گذشته، امیرمحمد خالقی، دانشجوی نخبه رشته مدیریت هنگام بازگشت به خوابگاه دانشگاه تهران در محدوده بزرگراه جلال آل احمد، نبش کوچه جنت، هدف حمله دو سارق موتورسوار قرار گرفت و بر اثر ضربات چاقو جان خود را از دست داد.

براساس گزارش‌های پلیسی، دو سارق قصد سرقت تلفن همراه و

کوله‌پشتی این دانشجوی جوان را داشتند که مقاومت امیرمحمد باعث درگیری شد و یکی از سارقان با چاقو او را مجروح کرد. مهاجمان پس از سرقت، سوار بر موتور از صحنه گریختند.

مصدوم که به شدت خونریزی داشت، توسط رانندگان به بیمارستان شریعتی منتقل شد، اما تلاش پزشکان برای نجات جان او بی‌نتیجه ماند و این دانشجوی جوان همان شب جان باخت.

به گفته سرهنگ کریمی‌اسد، در بررسی کارشناسی نهایی، ۵۰ درصد سهم تصعیر متوجه راهداری به دلیل نقص ایمنی مسیر و ۵۰ درصد دیگر مربوط به راننده پراید به دلیل تغییر مسیر ناگهانی و غیرمجاز اعلام شده است.

رئیس پلیس‌راه کشور به تازگی از آغاز طرح ضربتی بر خورد با خودروهای دارای نقص در سیستم روشنایی خبر داده است؛ اقدامی که درست و لازم برای ارتقای ایمنی تردد اما این طرح هرچند ضروری، اما کافی نیست، چراکه وقتی جاده‌ها و معابر در تاریکی مطلق هستند، حتی سالم‌ترین چراغ خودرو هم نمی‌تواند جلوی فاجعه را بگیرد. حضور مقطعی مأموران در شب نیز به تنهایی بازدارنده نخواهد بود؛ ایمنی پایدار نیازمند روشنایی پایدار است.

ایران بابیش از ۳۲۷ هزار کیلومتر راه برون‌شهری و بیش از ۴۵۷ هزار کیلومتر معابر شهری، یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های ترافیکی جهان را دارد. در این پهنه وسیع، سالانه حدود ۶۰۰ میلیارد کیلومتر پیمایش توسط خودروها و موتورسیکلت‌ها انجام می‌شود. با این حجم عظیم تردد، هر تاریکی در مسیر می‌تواند به بهای جان دهانفر تم تمام شود.

واقعیت این است که چراغ‌های خاموش جاده‌ها امروز نشانه ضعف مدیریت شهری و برون‌شهری است. میلیاردها تومان از محل جریمه‌های رانندگی به حساب سازمان راهداری و شهرداری‌های برای ایمن‌سازی مسیرها و نصب روشنایی و علائم واریز می‌شود، اما سهم آن در کاهش تصادفات محسوس نیست. اگر حتی بخشی از این بودجه صرف تعمیر چراغ‌های معابر و تأمین روشنایی مسیرهای بر جاده‌ته می‌شد، شاید امروز هزاران خانواده داغدار نمی‌شدند.

در چنین شرایطی، وقت آن رسیده که دستگاه قضایی نیز به‌عنوان ضامن اجرای قانون وارد عمل شود. همان‌گونه که راننده‌ای به‌دلیل نقص فنی خودرو جریمه یا ماشینش توقیف می‌شود، متولیان تاریکی معابر نیز باید پاسخگو باشند. گزارش‌های پلیس درباره مسیرهای تاریک باید مبنای اقدام قضایی قرار گیرد و شهرداری‌ها و سازمان راهداری در برابر جان‌هایی که در سایه بی‌توجهی‌شان از دست می‌رود، مسئول شناخته شوند.

از سوی دیگر، همه شهروندان نیز در این زنجیره نقش دارند. هر راننده موظف است پیش از حرکت از سلامت چراغ‌های خودرو، راهنما و چراغ ترمز اطمینان حاصل کند. چراغ سالم، فقط وسیله دیدن نیست، نشانه احترام به جان دیگران است.

امروز جامعه علمی کشور و متخصصان ایمنی ترافیک به‌خوبی می‌دانند که «بدن و دیده شدن» اصل بنیادین رانندگی ایمن است. روشنایی مناسب می‌تواند تا ۳۰ درصد احتمال بروز تصادف را کاهش دهد و تاریکی، خطای انسانی را چند برابر می‌کند و هر نقطه تاریک در نقشه جاده‌ها می‌تواند به نقطه‌ای سیاه در آمار مرگومیر تبدیل شود.

روشن نگه داشتن جاده‌ها فقط یک اقدام فنی نیست؛ یک ضرورت انسانی است. تا زمانی که چراغ‌های معابر خاموش بمانند، چراغ زندگی در خانه‌های بسیاری خاموش خواهد شد.

■ **شناسایی و دستگیری متهمان**

با تشکیل پرونده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران، تحقیقات برای شناسایی عاملان قتل آغاز شد. بازبینی تصاویر دوربین‌های مدارشده و سرنخ‌های موجود، پلیس را به دو متهم سابقه‌دار رساند. یکی از افراد مرتبط با این باند، در تماس با پلیس از اعتراف دوستش به قتل یک دانشجوی خبر داد.

در پی ردیابی‌های پلیسی، متهم اصلی به نام احمد در شامگاه ۲۹ بهمن‌ماه در یکی از بیمارستان‌های تهران بازداشت شد. همدست او، امیر نیز ساعاتی بعد در مخفیگاهش دستگیر شد.

■ **اعترافات عاملان جنایت**

در بازجویی‌ها احمد به ارتکاب قتل اعتراف و انگیزه خود را «نیاز مالی» عنوان کرد. او گفت برای پرداخت بدهی‌های قبلی‌اش دست به سرقت می‌زد و روز حادثه نیز قصد سرقت تلفن همراه را داشته است.

وی در بخشی از اعترافات خود اظهار داشت: «ما فقط می‌خواستیم گوشی او را سرقت کنیم. وقتی مقاومت کرد، درگیری پیش آمد و من و او برای ترساندنش چاقو را بیرون کشیدیم. دوستم گفت بزنش و من دو ضربه به دستش زدم و قصد کشتن او را نداشتم.»

همدست متهم نیز به جرم خود اقرار کرد.

■ **جلسه محاکمه**

جلسه رسیدگی به پرونده در ۲۶ اسفند سال گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. قضات دادگاه پس از بررسی مدارک و اعترافات، احمد را به اتهام «مباشرت در قتل عمد» و «مشارکت در سرقت مسلحانه در شب» به قصاص نفس محکوم کردند. این حکم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به واحد اجرای احکام از جاع شد.

براساس گفته اولیای دم، قاتل امیرمحمد خالقی، صبح امروز (چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴) در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار می‌رود.

بدین ترتیب، پرونده قتل دانشجوی نخبه دانشگاه تهران پس از حدود هشت ماه تحقیقات و رسیدگی قضایی با اجرای حکم قصاص به پایان می‌رسد.

۱۴ یادداشت

چراغ‌های خاموش آمارهای روشن مرگ



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در سرزمینی که هر سال حدود ۲۰ هزار نفر در جاده‌ها جان می‌یازند، تاریکی دیگر فقط فقدان نور نیست؛ نشانه‌ای از غفلت، بی‌نظمی و بی‌مسئولیتی جمعی است. بخشی از این آمار تلخ به‌طور مستقیم بانبود روشنایی کافی در معابر شهری و جاده‌های برون‌شهری پیوند دارد، جایی که زندگی انسان‌ها در تاریکی محض پایان می‌یابد، تنها به این دلیل ساده که چراغی روشن نبوده است.

تأمین روشنایی درون‌شهری برعهده شهرداری‌ها و در جاده‌های برون‌شهری برعهده سازمان راهداری است، اما در عمل بسیاری از محورهای پرتردد کشور شب‌ها در تاریکی فرو می‌روند. این خاموشی فقط خطر تصادف را افزایش نمی‌دهد، بلکه خود به عاملی بازدارنده برای حضور پلیس امدادگران و حتی رانندگان قانون‌مدار تبدیل می‌شود.

رئیس پلیس‌راه کشور به تازگی از آغاز طرح ضربتی بر خورد با خودروهای دارای نقص در سیستم روشنایی خبر داده است؛ اقدامی که درست و لازم برای ارتقای ایمنی تردد اما این طرح هرچند ضروری، اما کافی نیست، چراکه وقتی جاده‌ها و معابر در تاریکی مطلق هستند، حتی سالم‌ترین چراغ خودرو هم نمی‌تواند جلوی فاجعه را بگیرد. حضور مقطعی مأموران در شب نیز به تنهایی بازدارنده نخواهد بود؛ ایمنی پایدار نیازمند روشنایی پایدار است.

ایران بابیش از ۳۲۷ هزار کیلومتر راه برون‌شهری و بیش از ۴۵۷ هزار کیلومتر معابر شهری، یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های ترافیکی جهان را دارد. در این پهنه وسیع، سالانه حدود ۶۰۰ میلیارد کیلومتر پیمایش توسط خودروها و موتورسیکلت‌ها انجام می‌شود. با این حجم عظیم تردد، هر تاریکی در مسیر می‌تواند به بهای جان دهانفر تمام شود.

واقعیت این است که چراغ‌های خاموش جاده‌ها امروز نشانه ضعف مدیریت شهری و برون‌شهری است. میلیاردها تومان از محل جریمه‌های رانندگی به حساب سازمان راهداری و شهرداری‌های برای ایمن‌سازی مسیرها و نصب روشنایی و علائم واریز می‌شود، اما سهم آن در کاهش تصادفات محسوس نیست. اگر حتی بخشی از این بودجه صرف تعمیر چراغ‌های معابر و تأمین روشنایی مسیرهای بر جاده‌ته می‌شد، شاید امروز هزاران خانواده داغدار نمی‌شدند.

در چنین شرایطی، وقت آن رسیده که دستگاه قضایی نیز به‌عنوان ضامن اجرای قانون وارد عمل شود. همان‌گونه که راننده‌ای به‌دلیل نقص فنی خودرو جریمه یا ماشینش توقیف می‌شود، متولیان تاریکی معابر نیز باید پاسخگو باشند. گزارش‌های پلیس درباره مسیرهای تاریک باید مبنای اقدام قضایی قرار گیرد و شهرداری‌ها و سازمان راهداری در برابر جان‌هایی که در سایه بی‌توجهی‌شان از دست می‌رود، مسئول شناخته شوند.

از سوی دیگر، همه شهروندان نیز در این زنجیره نقش دارند. هر راننده موظف است پیش از حرکت از سلامت چراغ‌های خودرو، راهنما و چراغ ترمز اطمینان حاصل کند. چراغ سالم، فقط وسیله دیدن نیست، نشانه احترام به جان دیگران است.

امروز جامعه علمی کشور و متخصصان ایمنی ترافیک به‌خوبی می‌دانند که «بدن و دیده شدن» اصل بنیادین رانندگی ایمن است. روشنایی مناسب می‌تواند تا ۳۰ درصد احتمال بروز تصادف را کاهش دهد و تاریکی، خطای انسانی را چند برابر می‌کند و هر نقطه تاریک در نقشه جاده‌ها می‌تواند به نقطه‌ای سیاه در آمار مرگومیر تبدیل شود.

روشن نگه داشتن جاده‌ها فقط یک اقدام فنی نیست؛ یک ضرورت انسانی است. تا زمانی که چراغ‌های معابر خاموش بمانند، چراغ زندگی در خانه‌های بسیاری خاموش خواهد شد.



قتل مرد میانسال در بنگاه املاک

■ **آرمین بینا**

درگیری ساده در یک بنگاه املاک با مرگ مردی ۶۵ساله یا پایان یافت. مرد میانسال که برای کمک به یکی از بستگانش پا به دفتر املاک گذاشته بود، ساعاتی بعد با صورتی خون آلود به خانه بازگشت و دو روز بعد روی تخت بیمارستان جان باخت. حادثه‌ای که حالا دو مرد را در برابر اتهام قتل قرار داده است.

ساعت ۳۰ شامگاه دوشنبه، ۲۱ مهرماه، قاضی موسی رضاده، بازپرس ویژه‌قتل دادسرای امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مردی میانسال در یکی از بیمارستان‌های پایتخت باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

■ **۲روز بستری**

در بیمارستان، تیم جنایی با جسد مرد ۶۵ساله‌ای به نام پیمان روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی جان باخته بود. بررسی‌های اولیه نشان داد این مرد روز شنبه، ۱۹ مهرماه، در حالی که وضعیت جسمانی وخیمی داشت برای درمان به بیمارستان منتقل شده بود، اما تلاش پزشکان برای نجات جانش بی‌نتیجه ماند و او پس از دو شبانه‌روز بستری، روی تخت بیمارستان جان باخته است.

تحقیقات اولیه حاکی از آن بود که مرد فوت شده روز حادثه در جریان درگیری با یک مرد بنگاهدار و دوستش زخمی شده است.

■ **استاد و مدارک خونین**

یکی از بستگان مقتول به مأموران گفت: «یکی از بستگان ما که زنی سالخورده است برای انجام معامله ملکی به بنگاه رفته بود، اما بنگاهدار مدارک را به او تحویل نمی‌داد. این زن بارها برای پس گرفتن مدارک ش مراجعه کرده بود تا اینکه از پدرم کمک خواست. روز حادثه، پدرم برای گرفتن اسناد به بنگاه رفت، اما ساعاتی بعد در حالی به خانه برگشت که سر و صورتش خون آلود بود و حال مساعدی نداشت. او گفت بنگاهدار و شریکش او را به شدت تکت زده‌اند. دقایقی بعد هم حالش وخیم شد و ما او سریع به بیمارستان رساندیم. پدرم بر اثر شدت جراحات به کما رفت و در بخش مراقبت‌های ویژه تحت درمان قرار گرفت تا اینکه ساعاتی پیش خیر مرگ او را به ما دادند. اکنون از بنگاهدار و شریکش به اتهام قتل شکایت داریم.»

با دستور بازپرس، جسد برای تعیین علت اصلی مرگ و انجام آزمایش‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد. همزمان مأموران اداره دهم پلیس آگاهی با شناسایی هویت دو مظنون به محل زندگی‌شان رفتند و آنها را بازداشت کردند. صبح دیروز، متهمان برای ادامه تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند و در برابر بازپرس رضاده قرار گرفتند. هر دو پیش خیر مرگ او را به ما دادند. اکنون از بنگاهدار و شریکش به اتهام قتل شکایت داریم.»

براساس گفته اولیای دم، قاتل امیرمحمد خالقی، صبح امروز (چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴) در زندان قزلحصار کرج پای چوبه دار